

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۶۰، پیاپی ۱۵۰، زمستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۸۷-۶۳

مفهوم آزادی در «ثریا» چاپ قاهره^۱

غلامعلی پاشازاده^۲، فاطمه اروجی^۳
رسول پورزمانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴

چکیده

دوره قاجار برای ایرانیان مصادف با آشنایی و رویارویی با مفاهیم مدرن غربی، مانند آزادی است. جراید ایرانی چاپ خارج ایران در دوره زمانی پیشامشروطه یکی از مجاری آشنایی ایرانیان با این مفهوم بوده است. «روزنامه ثریا» چاپ قاهره مصر، در زمره این جراید است که توسط میرزا علیمحمدخان کاشانی به چاپ می‌رسید. با توجه به اهمیت مفهوم آزادی، به‌خصوص در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه ایران، پی بردن به سابقه مباحث نظری درباره این مفهوم در میان مطبوعات ایرانی و چگونگی انعکاس آن در ثریا حائز اهمیت است. بر همین اساس، فهم روزنامه از مفهوم آزادی و نسبت آن فهم با آزادی غربی، مسئله‌ای است که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته و با روش توصیفی-تحلیلی به این سؤال پاسخ داده شده که آزادی مد نظر «ثریا» تا چه میزان با آزادی موجود در غرب در آن دوره تاریخی مطابقت داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچند آزادی به معنای به کار گرفته‌شده در غرب، مورد تأیید روزنامه بود، اما در مواردی تقلیل این مفهوم در ثریا را شاهدیم.

واژه‌های کلیدی: آزادی، روزنامه ثریا، میرزا علی‌محمدخان کاشانی، قاجار، غرب

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2024.44187.2813

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول). gh_pashazadeh@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران Fatemeh.orouji62@gamil.com

۴. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. rasoulpourzamani@yahoo.com
- مقاله برگرفته از رساله «بررسی مفهوم آزادی در مطبوعات پیشامشروطه ایران (خارج از کشور)» در دانشگاه تبریز است.

مقدمه

شکل‌گیری و آغاز به کار مطبوعات در دوره قاجار، در تحولات آن دوره تأثیر بسزایی داشت. یکی از مهم‌ترین کارکردهای روزنامه‌های عصر قاجار، انتقال مفاهیم مدرن غربی به جامعه ایران بود. در میان این جراید، روزنامه‌هایی که به دور از نظارت حکومت در خارج از ایران منتشر می‌شدند، نقش زیادی داشتند. جغرافیای مصر در آن دوره یکی از درخشان‌ترین دوره‌های روزنامه‌نگاری ایرانی را به خود دیده و تعدادی از روشنفکران ایرانی با استفاده از فضای موجود در آنجا، به انتشار جرایدی اقدام کردند که بسیار تأثیرگذار نیز بودند. در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه در ایران، مصر به دلیل اعمال حاکمیت انگلستان و به تبع آن آزادی‌های اعطایی به مردمان آن سامان، برای آزادی‌خواهان و روزنامه‌نگاران مکان مناسبی برای فعالیت آزادانه مطبوعاتی به شمار می‌رفت؛ به همین دلیل تعدادی از روزنامه‌نگاران ایرانی با آگاهی از وجود چنین موقعیتی، در آن منطقه به کار روزنامه‌نگاری پرداختند (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۹۰).

در میان این روزنامه‌ها، «ثریا» به دلیل حضور میرزا علیمحمدخان کاشانی در رأس آن و همچنین علاقه و اقبال که از سوی مخاطبان ایرانی نسبت به این روزنامه بود، جایگاه مهمی دارد؛ تا جایی که نویسنده‌ای چون کسروی از «گفتارهای تند» این روزنامه در دوره تصدی‌گری میرزا علیمحمدخان خبر داده که به همه جا می‌رسیده است (کسروی، ۱۳۶۳: ۴۱/۱). روزنامه همچنین در انتقال مفاهیم جدید و مدرن غربی به ایران و آشنا ساختن ایرانیان با این مفاهیم، جایگاه خاصی داشت. مفهوم آزادی از جمله این مفاهیم است که ثریا بدان پرداخته است.

آزادی به مفهوم غربی، در دوره پیشامشروطه مورد توجه اندیشمندان ایران بوده و این اندیشمندان سعی می‌کردند مفهوم آن را به هموطنان خود انتقال دهند. در تبیین مفهوم آزادی، به مانند سایر مفاهیم و اصول تمدن غربی، اندیشمندان ایرانی با یک تناقض بنیادین مواجه بودند. از یک طرف، آن مفاهیم را برای ترقی جامعه ایران آن زمان یک ضرورت می‌دیدند و از طرف دیگر، با تضاد آنها با مبانی فرهنگی و دینی جامعه خود مواجه بودند. در دوره قاجاریه، اندیشمندان با آگاهی از این تناقض راهکارهای مختلفی در پیش گرفتند. برخی مانند آخوندزاده خواهان اخذ کامل اصول تمدن و مفاهیم غربی، بی‌توجه به سنت‌های جامعه بودند و برخی مانند میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله سعی کردند آن را با اسلام و فرهنگ جامعه مطابق نشان دهند؛ درحالی‌که گاه خود نیز به چنین انطباقی باور نداشتند. در این میان، اندیشمندانی هم بودند که با وقوف به تضاد اصول و مفاهیم تمدن غربی با آموزه‌های دینی، تلاش کردند

صرفاً در قالب شریعت، از تمدن غربی و مفاهیم آن اقتباس کنند و اجازه ندهند اصول و مفاهیم متناقض با شریعت، با تقلیل مفاهیم در جامعه ایرانی رواج داده شود. مفهوم آزادی از اساسی ترین اصول تمدن غربی بود که در همین راستا مورد توجه اندیشمندان ایران دوره قاجار قرار گرفت و در نتیجه در روزنامه ثریا هم به آن پرداخته شد. بر همین اساس، نگارندگان پژوهش حاضر قصد دارند با کاوش در مندرجات روزنامه، نگاه روزنامه به مفهوم آزادی را بررسی و مفهوم مورد نظر روزنامه از آزادی را مشخص کنند.

با توجه به اینکه آزادی یکی از مفاهیم مدرن مورد بحث اندیشمندان بوده و یکی از خواست‌های مهم مشروطه‌خواهان ایرانی نیز دستیابی به آزادی بوده است و بحث بر سر این مفهوم پس از پیروزی انقلاب مشروطه موجب اختلاف میان آنان شده بود، جا دارد تا با مراجعه به محتوای ثریا در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب مشروطه ایران، چستی این مفهوم از نظر این روزنامه و میزان مطابقت آن با آزادی به معنای غربی آن مشخص گردد تا حتی‌الامکان آشکار شود که آزادی مورد نظر ثریا در کدام یک از دسته‌های ذکر شده قرار می‌گیرد و چه تفاوتی با گروه‌ها و اندیشمندان ذکر شده دارد.

با توجه به اینکه مفهوم آزادی در دوره‌های مختلف تاریخی معانی متفاوتی داشته و اندیشمندان معاصر غرب نیز تعاریف متفاوت و گسترده‌تری از این مفهوم ارائه داده‌اند، در این پژوهش، آزادی مندرج در اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹م. فرانسه به عنوان چارچوب بحث در نظر گرفته شده است.

درباره پیشینه پژوهش می‌توان گفت مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته است و ما بدان‌ها دسترسی داشته‌ایم، نشان می‌دهد که تحقیق مستقلی درباره موضوع مورد نظر صورت نگرفته است. کریم سلیمانی دهکردی و مهدی رفعتی‌پناه مهرآبادی در مقاله «مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه»^۱ به بررسی این مفهوم در دوره پیشامشروطه پرداخته‌اند، ولی در این پژوهش اشاره‌ای به روزنامه ثریا و شخص میرزا علیمحمدخان کاشانی نشده است. در این پژوهش مفهوم آزادی از نگاه روشنفکرانی چون میرزا صالح شیرازی، رضاقلی میرزا، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، میرزا ملکم‌خان، میرزا عبدالرحیم طالبوف و جراید اختر و قانون مورد بررسی قرار گرفته است. همین نویسندگان در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه»^۲ به بررسی آزادی در مطبوعات پسامشروطه

۱. کریم سلیمانی دهکردی و مهدی رفعتی‌پناه مهرآبادی (۱۳۹۳)، «مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، شماره ۲۲، صص ۵۳-۷۶.

۲. مهدی رفعتی‌پناه مهرآبادی و کریم سلیمانی دهکردی (۱۳۹۵)، «بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، شماره ۳۰، صص ۹۷-۱۲۶.

ایرانی پرداخته و از میان مطبوعات ایرانی چاپ خارج، «اختر» و «چهره‌نما» را مورد توجه قرار داده‌اند. کتاب *فکر آزادی در ادبیات مشروطیت ایران*^۱ تألیف مهنور محمدخان پاکستانی هم هرچند اشاراتی به تفکر آزادی‌خواهانه برخی روزنامه‌های چاپ خارج در دوره پیشامشروطه کرده، ولی نگارنده بیشتر به بررسی تفکر آزادی‌خواهی در ادبیات پس از مشروطه پرداخته است. با توجه به کلی بودن این تحقیقات و عدم اشاره آنان به روزنامه ثریا به عنوان یکی از تأثیرگذارترین روزنامه‌های ایرانی چاپ خارج از کشور، نویسندگان مقاله تلاش کرده‌اند با بررسی تمامی شماره‌های روزنامه ثریا در دوره زمانی پیشامشروطه، مفهوم آزادی را در این روزنامه مورد بررسی قرار دهند.

۱. مفهوم آزادی

آزادی در لغت به مفهوم حریت، اختیار، خلاف بندگی، عبودیت، اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب و غیره است (دهخدا، ۱۳۲۵: ۸۶/۲). آشوری نیز نوشته است آزادی در مورد انسان حالتی است که در آن فرد برای رسیدن به مقصد و هدف خود، مانعی پیش رو نداشته باشد (آشوری، ۱۳۷۶: ۲۰). با وجود چنین تعریفاتی، آزادی واژه‌ای تعریف‌ناپذیر است و در هر دوره‌ای تعریف مخصوص به خود را داشته و دارد؛ به همین دلیل و برای رهایی از سردرگمی در میان این تعاریف، معیار آزادی در این پژوهش، آزادی اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه است. به‌طور کلی فهم مفهوم آزادی در آن دوره تاریخی بدون توجه به اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه و تأثیرات آن بر سرنوشت آزادی در اروپا امکان‌پذیر نیست. این اعلامیه که قدیمی‌ترین اعلامیه منسجم درباره حقوق فردی و آزادی است، اهمیت زیادی در تاریخ تحولات حقوق فردی و آزادی‌های عمومی دارد (قاضی، ۱۳۷۱: ۵۶۰/۱). همچنین اعلامیه حقوق بشر فرانسه و انعکاس آن، الهام‌بخش بسیاری از کشورها در تدوین و اعلام حقوق و آزادی‌های عمومی شده است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۲۱۰). اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی متمم قانون اساسی ایران بعد از انقلاب مشروطه نیز از این اعلامیه تأثیر پذیرفته‌اند (قاسم‌زاده، ۱۳۴۰: ۵).

نویسندگان این اعلامیه معتقدند «افراد بشر مساوی و آزاد به دنیا می‌آیند و از این رو بالطبع باید در تمام مدت عمر خویش از آزادی و مساوات بهره‌مند شوند» (همو، همان، ۴). آنها در ماده ۴ اقدام به تعریف آزادی مد نظر خودشان و حدود آن نیز کرده‌اند. اصل ۴ بر این فکر

۱. مهنور محمدخان (۱۳۸۳)، *فکر آزادی در ادبیات مشروطیت ایران*، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

فلسفی استوار است که آزادی‌های فردی در خیر و سعادت جامعه است. در نظر انقلابیون فرانسه، آزادی توانایی انجام هرگونه عملی است که به حقوق دیگران لطمه وارد نکند (همان، ۳). در ماده ۵ همین اعلامیه، چستی قانون محدودکننده آزادی نیز ذکر شده است. این ماده به صراحت اعلام می‌کند که: «قانون تنها حق دارد جلوی انجام کارهایی را بگیرد که به حال جامعه زیان‌بخش است. از هیچ عملی که توسط قانون منع نشده باشد، نمی‌توان جلو گرفت و هیچ‌کس را نمی‌توان به کاری وا داشت که قانون امر نکرده است» (قاضی، ۱۳۷۱: ۱/۶۴۰).

بنابراین حد و مرز اعمال حقوق طبیعی هر انسان، حقوق سایر افراد جامعه است و برای پیشگیری از سوءتعبیرها و سوءاستفاده‌های احتمالی، قانون منبعث از اراده مردم به کار گرفته می‌شود (همو، همان، ۶۵۳-۶۵۴). به عبارت بهتر، این اعلامیه حاکمیت را متعلق به همه شهروندان در یک جامعه و قانون را مظهر اراده عموم مردم و حامی آزادی همه آنها می‌داند و بر این باور است که همه افراد شخصاً یا به توسط نمایندگان خود، در وضع قانون شرکت می‌کنند و این قانون است که محدوده حقوق همه افراد را مشخص می‌کند و قانون نمی‌تواند نباید مغایر با حقوق و آزادی‌های طبیعی باشد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۹-۱۰).

آزادی از نوع سیاسی آن به شکل مشارکت مردم در امور مربوط به جامعه و نظام سیاسی در اعلامیه نمود یافته است. قبل از انقلاب ۱۷۸۹، فرانسه دارای رژیم سلطنتی نامحدود بود؛ بدین معنی که تمام اقتدارات دولتی به صورت مطلق در اختیار پادشاه بود (قاسم‌زاده، ۱۳۴۰: ۲۷۱). نگاهی گذرا به اعلامیه سال ۱۷۸۹ نشان از این واقعیت دارد که هر یک از مواد و اصول آن، واکنشی در برابر اجحاف‌های رژیم سلطنتی مطلق و هر یک راهی برای پیشگیری و محدودیت قدرت حکومت است (قاضی، ۱۳۷۱: ۱/۶۴۸). این مورد به وضوح در ماده سوم اعلامیه نمود یافته که براساس آن «حق حاکمیت ناشی از خود ملت بوده و هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه از طبقات مردم نمی‌توانند فرمانروایی و حکمرانی کنند؛ مگر به نمایندگی از طرف ملت» (قاسم‌زاده، ۱۳۴۰: ۴).

آزادی عقیده نیز یکی از مواردی است که هم در اعلامیه و هم در ثریا مورد توجه بوده است؛ چنان‌که در ماده ۱۰ این اعلامیه به مسئله آزادی عقیده و در ذیل آن به آزادی مذهب پرداخته شده و به صراحت آزادی افراد را در اندیشه و عقیده از هر نوع تضمین کرده است؛ چنان‌که «هیچ‌کس را نباید به سبب عقایدش نگران کرد حتی بابت عقاید مذهبی؛ مگر آنکه بروز این عقاید نظم عمومی ناشی از قانون را مختل سازد» (همان، همان‌جا). منظور از آزادی عقیده این است که فرد حق دارد هر گونه اعتقاد و باوری نسبت به اخلاق، مذهب، سیاست و فلسفه داشته باشد؛ بی‌آنکه به علت باورهای خود متحمل صدماتی در زندگی اجتماعی‌اش

شود. در فرانسه قبل از انقلاب مذهب کاتولیک به عنوان مذهب رسمی تلقی می‌شد و در برهه‌هایی حتی انجام رسمی سایر مذاهب ممنوع بود، ولی بعد از انقلاب و براساس اعلامیه حقوق بشر، حکومت فرانسه به حکومتی غیرمذهبی تبدیل شد و در دیگر ممالک اروپایی نیز بعد از انقلاب‌های قرن هجدهم میلادی، هواداران مذاهب مختلف توانستند اعمال مذهبی خود را به سبک و طریقه مذهب خود برگزار کنند (همان، ۱-۶۶۰). به‌طور کلی اعلامیه حقوق بشر فرانسه درباره مذهب طرفدار بی‌طرفی و پذیرای تمام عقاید است؛ بدون آنکه قائل به برتری یک عقیده و یا دفاع از عقیده‌ای خاص باشد.

ماده ۱۱ اعلامیه به انعکاس آزاد افکار و عقاید و آزادی مطبوعات اختصاص یافته و آن را یکی از حقوق متعالی انسانی دانسته است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۲۴). این ماده از اعلامیه، مبادله آزاد عقاید و افکار را یکی از پربهترین حقوق بشر تلقی می‌کند و حق هر کسی می‌داند که آزادانه سخن بگوید، بنویسد و نوشته‌هایش را چاپ کند؛ به شرط آنکه در مواردی که قانون آن را منع کرده است، جوابگو باشد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۷۹).

۲. مفهوم آزادی در ثریا

روزنامه ثریا^۱ که از سال ۱۳۱۶ق. در قاهره مصر به چاپ می‌رسید، از نشریات شاخص ایران در دوره قبل از مشروطه می‌باشد؛ به‌طوری که ادوارد براون ارزشمندتر از آن در میان مطبوعات ایرانی سراغ نداشته است (براون، ۱۳۷۷: ۳۰۵/۲) و محمد صدر هاشمی نیز آن را از روزنامه‌های مفید و بسیار خوب زبان فارسی دانسته است (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۵۵/۲). مفهوم آزادی از مفاهیم کلیدی این روزنامه می‌باشد.

مطالب ثریا درباره مفهوم آزادی را می‌توان به اهمیت و جایگاه این مفهوم در ثریا، تعریف روزنامه از آزادی، حدود آزادی مورد نظر این روزنامه و رابطه میان مفاهیم آزادی و قانون

۱. ثریا جریده‌ای فارسی‌زبان بود که در دوره حکومت مظفرالدین‌شاه در قاهره به صورت هفتگی و با مدیریت میرزا علیمحمدخان کاشانی به چاپ می‌رسید (کهن، ۱۳۶۰: ۲۰۳/۱). البته در آغاز تأسیس روزنامه سید فرج الله حسینی کاشانی که از تجار ایرانی مقیم مصر بود، با میرزا علیمحمدخان شراکت داشت که این شراکت بیشتر جنبه مالی داشته است (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۵). هرچند خود کاشانی اذعان کرده است که اندیشه تأسیس روزنامه از زمان تحصیل او در استانبول در ذهنش خطوط کرده، ولی وی قبل از انتشار ثریا، در جراید «اطلاع»، «ایران» و «اختر» فعالیت داشته است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۰۰/۱؛ کهن، ۱۳۶۰: ۱۰۱/۱). نخستین شماره روزنامه ثریا در تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۶ (۲۹ اکتبر ۱۸۹۸) منتشر شد. میرزا علیمحمدخان از شماره ۲۴ روزنامه در سال دوم، با ثریا قطع همکاری کرد و از این شماره تا شماره ۳۶ به تاریخ ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۸ که شماره پایانی ثریا در قاهره می‌باشد، سید فرج‌الله حسینی مدیریت روزنامه را عهده‌دار بود (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۵۱/۲-۱۵۴).

دسته‌بندی کرد. آزادی در روزنامه ثریا از جایگاه بلندی برخوردار است و به همین دلیل در مطالب روزنامه با تعبیری نظیر «سردار جیش تمدن»، «حافظ و حارس حقوق انسانیت»، «شهسوار یکه‌تاز میدان تمدن»، «رکن رکین بنای انسانیت»، «روان برای جسم انسان» و «رساننده انسان از مقام حیوانی به انسانی» از آن یاد شده است (ثریا، ۵ شعبان ۱۳۱۶: شماره ۸، صص ۱۱-۱۲). این اعتقاد روزنامه از آنجا نشأت می‌گرفت که انسان را عاشق آزادی می‌دانست و اعتقاد داشت راحت نفس در فضای آزاد اتفاق می‌افتد و حتی مفهوم بهشت صرفاً با وجود آزادی معنا و مفهوم پیدا می‌کند (ثریا، ۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۴، ص ۷).

به باور روزنامه، علم هم بدون آزادی امکان بروز و تأثیرگذاری در جامعه را ندارد. با وجود آزادی است که مجالی برای عرض اندام علم و ادب در جامعه فراهم می‌شود و در مقابل، نقصان آن نیز علم و ادب را از بین می‌برد. بر این اساس، اگر آزادی نباشد، دانشمندان نمی‌توانند یافته‌های علمی خودشان را بیان کنند و از این رو، وجود آن همانند «ماده کشف ضوء غیر مرئی» عمل می‌کند. این نگاه روزنامه موجب می‌شود که از جایگاه ممالک آزاد تمجید کند و آن را با عقب‌ماندگی جوامع پیوند زند؛ به طوری که فقدان آزادی سبب عقب‌ماندگی مردم و دول شرقی و حتی ضعف حکومت اسپانیا تلقی شده و وجود آن موجب شهرت آمریکا^۱ و مساوات و برقراری عدالت در فرانسه تلقی شده است (ثریا، ۵ شعبان ۱۳۱۶: شماره ۸، ص ۱۲). روزنامه تلاش غربی‌ها برای حضور در ایران را نیز با موضوع آزادی در ارتباط دانسته و معتقد است بهانه غربی‌ها از حضور در ایران، اعطای آزادی به ایرانیان است و می‌خواهند ایرانیان هم از آزادی تام مختص غربی بهره‌مند شوند (ثریا، ۹ ذی‌القعدة ۱۳۱۷: شماره ۱۷، صص ۱۳-۱۴).

در تعریف ثریا از آزادی، آزادی در تقابل با مطلق‌العنانی است و قوانین حکومتی و اخلاقیات حدود آزادی افراد را در جامعه مشخص می‌کنند. به باور روزنامه، وجود چنین موانع و حدودی برای آزادی، می‌تواند مانع از بروز و ظهور فساد در جامعه شود (ثریا، ۵ شعبان ۱۳۱۶: شماره ۸، صص ۱۱-۱۲). به عبارت بهتر، روزنامه معتقد است حدود افعال افراد را قانون مشخص می‌سازد و به همین دلیل افراد جامعه صاحب اختیارات نامحدود نمی‌باشند. هر چند

۱. در آستانه انقلاب مشروطه و حتی بعد از آن نیز آمریکا در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحولات چشمگیری را پشت سر گذاشته و برخلاف ممالک اروپایی، در بسیاری از حوزه‌ها به دستاوردهای سریع و دور از انتظاری رسیده بود؛ به طوری که حتی کشورهای اروپایی با ستایش و تحسین از این تحولات یاد می‌کردند. این امر یکی از عواملی بود که موجب شد آمریکا به کشوری مناسب برای اخذ تجدد و تمدن غربی در حوزه‌های مختلف برای ایرانیان تبدیل شود (جهانی و ملایی، ۱۴۰۰: ۷۳).

چنین تعریفی از آزادی با آزادی مندرج در اعلامیه حقوق بشر فرانسه مطابقت دارد، اما روزنامه تکلیف خود را به روشنی با قانونی که قرار است معیاری برای حدود افعال افراد باشد، مشخص نکرده است.

آزادی در نگاه ثریا با قانون و مساوات در اجرای قانون ارتباطی جدایی‌ناپذیر دارد و این امر در مطالب مختلف مندرج در روزنامه انعکاس یافته،^۱ ولی روزنامه به وضوح بیان نکرده است که آیا منظور از قانون همان قانون غربی منبعث از اراده مردم است، یا اینکه قانون و حدود و احکام الهی را در نظر دارد و خواستار تدوین قانون براساس آموزه‌های شرعی است. برای نمونه، روزنامه در مطلبی به طرفداری و تمجید از قانون حاکم بر انگلیس پرداخته که بدون شک قانونی برخاسته از اراده مردم است (ثریا، ۶ ذی‌القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۱، ص ۱۳) و در مطلبی دیگر گفته است ایران محتاج به تأسیس و اخذ قانون جدیدی نیست و قانون شریعت اسلام را برای ایران کافی دانسته است (ثریا، ۲۳ ذی‌القعدة ۱۳۱۷: شماره ۱۹، ص ۱۴).

۱-۲. آزادی سیاسی

ثریا درباره این نوع از آزادی و بیان منظور خود، در بیشتر موارد دست به دامان نمونه‌های غربی شده است و در مواردی نیز مطالب درج‌شده درباره این نوع آزادی، در تقابل با یکدیگر قرار دارد. به‌طور کلی مطالب مندرج در ثریا در این باره را می‌توان به حدود اختیارات و میزان مشارکت مردم در حکومت و اداره آن، نظام پارلمانی و همچنین نظام سیاسی مطلوب از نظر ثریا تقسیم‌بندی کرد.

روزنامه در این باره و در مطالبی با اشاره به نظام سیاسی حاکم بر انگلستان^۲ و تأیید چنین نظامی، سعی در انعکاس میزان مشارکت مردم در امور جامعه و حکومت داشته است. روزنامه با اشاره به سازوکار پارلمان انگلستان و نقش مردم در شکل‌گیری آن، نقش مردم و حدود

۱. ثریا، ۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۴، ص ۷؛ همان، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۴، صص ۱۱-۱۲؛ همان، ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۱۷: شماره ۲۴، ص ۷.

۲. روزنامه در موارد متعددی به انگلستان و تاریخ و نظام سیاسی این کشور اشاره کرده است. دلیل آن نیز حضور میرزا عبدالحسین کاشانی برادر میرزا علیمحمدخان در هیئت تحریریه این روزنامه است. او در زمان آغاز به کار ثریا، با کمک‌های مالی حکومت قاجار و برای تحصیل راهی هندوستان شده بود و بعدها برای ادامه تحصیل راهی لندن شد (ثریا، ۱۹ شعبان ۱۳۱۶: شماره ۱۰، ص ۱؛ علوی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). وی از شماره ۶ سال اول همکاری خود را با ثریا آغاز کرد و تا پایان همکاری برادرش با روزنامه، مطالبی از او در روزنامه درج شده است. او همچنین وکیل مخصوص ثریا در هندوستان بوده است (ثریا، ۱۹ شعبان ۱۳۱۶: شماره ۱۰، ص ۱؛ همان، ۲۰ رجب ۱۳۱۶: شماره ۶، ص ۱).

اختیارات آنان را به حدی می دانست که دولت بدون رضایت آنان قادر به انجام کاری نبوده و رعایا می توانسته اند تصمیمات خود را عملی کنند. روزنامه برای بیان هر چه بهتر میزان و حدود اختیارات مردم در حکومت انگلستان، ضمن تأیید نظام سیاسی حاکم بر انگلستان، آن را به عمارتی دو طبقه تشبیه کرده است؛ چنان که مردم را ستون این عمارت خوانده و وجود و نقش آفرینی پادشاه و پارلمان را بدون در نظر گرفتن رعایا، بی معنی دانسته است (ثریا، ۶ ذی القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۱، صص ۱۳-۱۴).

ثریا سابقه نقش آفرینی و دخالت مردم انگلستان در امور حکومتی را با اصلاحات قضایی صورت گرفته در دوره سلطنت آلفرد کبیر در ارتباط دانسته و اشاره کرده است در نتیجه اصلاحات صورت گرفته در آن دوره بود که رعایای انگلیسی «دانستند که تشکیل سلطنت برای پاس حقوق رعیت است، رعیت باید از جزئی و کلی امور دولتش مخبر باشد و اگر فی جمله آمر به مأمور بر رعیت ظلم کند یا تحقیر نماید، باید از وی به محکمه عدالت شکایت برد تا حد خویش بشناسد و پای از گلیم خویش بیرون نگذارد» (ثریا، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۱۷: شماره ۴۸، ص ۱۴). ثریا چنین رویه ای را حاکم بر دیگر ممالک متمدنه نیز می دانست و اشاره کرده است که در این ممالک پست ترین مردم هم می توانستند از حاکمان خود انتقاد و حتی علیه آنان شکایت کنند (ثریا، ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۵، ص ۱۱).

روزنامه درباره پارلمان به عنوان مشخص ترین نمود حضور و دخالت مردم در امر حکومت نیز به پارلمان انگلستان اشاره کرده و میزان اختیارات نمایندگان مردم در پارلمان آن کشور را منعکس ساخته است. به گفته ثریا، نمایندگان پارلمان بدون هیچ ترسی می توانند افکار و نظرات خود را بیان کنند و میزان قدرت و اختیارات آنان به عنوان نماینده مردم، به حدی است که پادشاه نیز بدون در نظر گرفتن پارلمان، قادر به انجام هیچ کاری نیست (ثریا، ۶ ذی القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۱، صص ۱۳-۱۵؛ همان، ۲۰ ذی القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۳، ص ۱۳). با وجود چنین توصیفاتی از میزان مشارکت مردم در حکومت که به صورت توصیف نظام سیاسی انگلستان انعکاس یافته و مورد تأیید روزنامه نیز قرار گرفته است، ثریا در سال دوم انتشار خود با تقلیل و تغییر بنیادی مفهوم پارلمان، نمایندگان منتخب مردم را همان مجتهدانی دانسته است که در شورا حضور می یابند و قانونگذاری را همان فتوایی می دانست که این مجتهدان با در نظر گرفتن مصلحت حکومت و رعایا، صادر می کنند و عقیده داشت که چون مردم نیز مقلدان این مجتهدان اند، «بی توانی در پذیرند و و بلا تردید قبول کنند» (ثریا، ۲۳ ذی القعدة ۱۳۱۷: شماره ۱۹، ص ۱۴).

درباره نظام سیاسی مطلوب، مطالبی متناقض در ثریا به چاپ رسیده است.^۱ روزنامه در مطلبی با اشاره به نوع حکومت و نظام سیاسی انگلستان و تأیید نظام سیاسی جمهوری در مقایسه با حکومت‌های مستقله و مشروطه، شاه مملکت را نیز تابع قانون و دارای قدرتی محدود دانسته^۲ (ثریا، ۶ ذی‌القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۱، صص ۱۳-۱۴) و در مطالبی وارده که در تضاد با مطالب قبلی است، براساس آیات و روایات شاه را دارای اختیار کامل و قدرتی نامحدود دانسته است. روزنامه در این باره حتی از کسانی که سعی در ایجاد شبهه در مقام سلطنت و حدود اختیارات شاه ایران داشته‌اند، با عنوان «جاهلان سبک‌مغز» یاد کرده است (ثریا، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۶، صص ۱۳-۱۴؛ همان، ۱ رجب ۱۳۱۷: شماره ۳، صص ۱۴-۱۵)؛ درحالی که در آزادی سیاسی به معنای غربی آن، به‌خصوص به معنای مندرج در ماده سوم و پانزدهم اعلامیه حقوق بشر فرانسه، حق حاکمیت تنها ناشی از مردم جامعه است و هیچ‌کس بدون کسب رضایت مردم و بدون نمایندگی از سوی آنان، حق حکومت بر آنان را ندارد و جامعه حق نظارت و درخواست ادای توضیح از حکومت را دارد.

۲-۲. آزادی مطبوعات

همزمان با انتشار ثریا، مصر زیر نظر انگلستان و شخص «لورد کرومر» (سر اولین بارینگ)^۳ اداره می‌شد. آزادی مطبوعات در این دوره باعث شده بود مصر مقصد بسیاری از روزنامه‌نگاران مسلمان باشد؛ زیرا می‌توانستند دور از موطن خویش و آزادانه به کار روزنامه‌نگاری بپردازند. خود میرزا علی‌محمدخان نیز مصر را بهترین کشورهای خارجی برای انتشار روزنامه آزاد می‌دانست و اشاره کرده است که جراید در مصر «نهایت درجه آزادی» و

۱. شاید بتوان این حجم از مطالب متناقض درباره نوع نظام سیاسی مورد نظر انعکاس یافته در ثریا را با رسالت روزنامه‌نگاری ثریا در ارتباط دانست و توجیه کرد؛ زیرا در همین باره هر دو مطلبی که در تضاد با هم قرار دارند، مربوط به مقالاتی است که از سوی مخاطبان ثریا به روزنامه ارسال شده و روزنامه نیز بنا بر رسالت روزنامه‌نگاری خود، اقدام به درج این مطالب متناقض کرده است.

۲. میرزا عبدالحسین کاشانی -نگارنده مطلب- حکومت مستقله را حکومتی می‌دانست که پادشاه هر آنچه بخواهد انجام می‌دهد و هیچ‌کس حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارد. او ایران، عثمانی و روسیه را جزو حکومت‌های مستقله آورده است. به گفته وی، در حکومت مشروطه، مجلس برخاسته از اراده مردم، اختیارات پادشاه را محدود می‌سازد. وی در تعریف حکومت جمهوری نیز گفته است در این نوع از حکومت تمام امور کشور در دست مردم است و هر کسی را که خود بخواهند، می‌توانند به ریاست خویش انتخاب و در صورت نیاز او را برکنار کنند. (ثریا، ۶ ذی‌القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۱، صص ۱۳-۱۴).

3. Sir Evelyn Baring

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۶۰، زمستان ۱۴۰۲ / ۷۳

براساس قانون اختیار عمل داشته و از هیچ کس ترسی نداشته‌اند (ثریا، ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶: شماره ۱، ص ۳؛ همان، ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۵۰، ص ۱۰). مخاطبان ثریا نیز با علم به چاپ ثریا در چنین فضایی، مکتوبات و مقالات انتقادی خود را برای چاپ در صفحات ثریا به این روزنامه ارسال می‌کردند. با علم به چنین موضوعی است که یکی از مخاطبان ثریا در مکتوبی از تبریز، با اشاره به جدال قلمی ثریا و روزنامه تربیت، به مقایسه میزان آزادی مطبوعات در مصر و ایران پرداخته و خطاب به «روزنامه تربیت» نوشته است: «و اگر مدیر ثریا به این لاطیلات جواب دهد مدیر تربیت در جواب چه خواهد گفت زیرا ثریا جریده آزاد و در مملکتی آزاد نشر شود و مکنون ضمیر خویش را به قلم آرد ولی تربیت اگر خواهد بیرون حدود خویش سخنی کند سرش به سنگ مجازات کوفته گردد» (ثریا، ۱۵ رجب ۱۳۱۷: شماره ۵، ص ۱).

در ثریا بارها به موضوع آزادی مطبوعات پرداخته شده است. حدود آزادی مطبوعات در غرب، پیامدهای آزادی مطبوعات، وضعیت آزادی مطبوعات در ایران، قانون مطبوعات، آزادی عمل خبرنگاران جراید در ایران و غرب و حدود آزادی بیان در ثریا، از مواردی است که درباره آزادی مطبوعات به اشکال مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد. در ثریا در موارد بسیاری، از جایگاه مطبوعات در غرب، حدود آزادی جراید و نتایج حاصل از آن سخن به میان آمده است. با توجه به اینکه مطبوعات به معنای خاص آن (روزنامه) پدیده‌ای وارداتی است، ثریا برای نوع و حدود آزادی روزنامه‌ها در بسیاری از موارد به نمونه آنها در غرب اشاره کرده و به شیوه‌های مختلف به تأیید آن پرداخته است. ثریا در موارد متعددی جایگاه و میزان آزادی و اختیار عمل مطبوعات و خبرنگاران غربی را منعکس ساخته و به مقایسه وضعیت و حدود آزادی مطبوعات در غرب و ایران پرداخته است.^۱ «روزنامه میزان» تأثیرگذاری روزنامه‌های آزاد اروپا را بیشتر از نیروی نظامی آنان دانسته و ترقی، پیشرفت و تغییرات رخ داده در جوامع و حتی ایران را نتیجه آزادی مطبوعات و درج بدون ترس معایب افراد جامعه در نتیجه این آزادی می‌دانست (ثریا، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۴، ص ۸؛ همان، ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶: شماره ۱، ص ۲؛ همان، ۱۳ ذی‌الحجه ۱۳۱۷: شماره ۲۲، ص ۱۰).

یکی از مشکلاتی که ثریا در طول انتشار با آن دست به گریبان بود، انتشار برخی اخبار نادرست واصله در صفحات روزنامه بود. ثریا در این باره نیز مطبوعات غرب را مورد استناد

۱. ثریا، ۱۵ شوال ۱۳۱۶: شماره ۱۸، ص ۶؛ همان، ۶ ذی‌القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۱، ص ۱۳؛ همان، ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۱۶: شماره ۲۸، ص ۱۰؛ همان، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۶، ص ۱۰؛ همان، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۲، ص ۳؛ ثریا، ۲۲ رجب ۱۳۱۷: شماره ۶، ص ۸؛ همان، ۱۹ رمضان ۱۳۱۷: شماره ۱۲، صص ۱-۲.

قرار داده و بر این اساس روزنامه را در درج و حتی تکذیب اخبارات واصله آزاد می‌دانست (ثریا، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۲، ص ۴؛ همان، ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: شماره ۴۹، ص ۱۰)؛ به همین دلیل معتقد بود اگر قرار باشد مسئولیتی در این مورد متوجه روزنامه‌ها باشد، «باید روزنامه‌نگاران فرنگ هر روز در تحت استنطاق باشند» (ثریا، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: شماره ۴۰، صص ۱۰-۱۱). با چنین نگاهی به آزادی مطبوعات در غرب، ثریا اخباری مبنی بر نقض آزادی مطبوعات توسط برخی دول اروپایی، درج می‌کرد و به انتقاد از آن می‌پرداخت.^۱

۲-۲-۱. آزادی مطبوعات در ایران

ثریا دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار را آزادترین دوره برای مطبوعات ایرانی دانسته است؛ زیرا معتقد بود در عصر مظفری مطبوعات می‌توانستند بدون هیچ ملاحظه‌ای درباره معایب حکومت صحبت کنند^۲ (ثریا، ۱۰ محرم ۱۳۱۷: شماره ۳۰، ص ۵؛ همان، ۲۴ محرم ۱۳۱۷: شماره ۳۲، ص ۱۳؛ همان، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۶، صص ۸-۹؛ همان، ۴ صفر ۱۳۱۸: شماره ۲۶، ص ۱۴)؛ به همین دلیل روزنامه در مورد مشکلات کمی و کیفی جراید چاپ ایران، دولت را در این باره بی‌غرض دانسته و خود ایرانیان را مقصر ادامه چنین وضعیتی اعلام کرده است (ثریا، ۶ رجب ۱۳۱۶: شماره ۴، صص ۶-۷؛ همان، ۱۰ محرم ۱۳۱۷: شماره ۳۰، ص ۵؛ همان، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۶، ص ۹؛ همان، ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۱، ص ۱۴). مطالعه مطالب ثریا در این باره نشان می‌دهد که ثریا آزادی در مطبوعات این دوره را صرفاً مترادف با آزادی در انتقاد از حکومت می‌دانست و اعتقاد داشت که دولت فضای لازم برای انتقاد از خودش و حاکمان ایالات را فراهم کرده است. به نظر می‌رسد مقایسه فضای حاکم بر فضای مطبوعات ایران در دوره ناصر و مظفری نیز در اعلام چنین نظری از سوی ثریا بی‌تأثیر نبوده است.

مطالعه وضعیت و حدود آزادی مطبوعات عصر مظفری هم نشان می‌دهد که با وجود اقدامات امین‌الدوله در راستای تعدد جراید و آزادی قلم در مطبوعات (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲:

۱. ثریا، ۵ شعبان ۱۳۱۶: شماره ۸، ص ۷؛ همان، ۱۲ شعبان ۱۳۱۶: شماره ۹، ص ۲؛ همان، ۲۲ شوال ۱۳۱۶: شماره ۱۹، ص ۱۰؛ همان، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: شماره ۴۷، ص ۵؛ همان، ۸ رجب ۱۳۱۷: شماره ۴، ص ۳؛ همان، ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۸: شماره ۳۵، ص ۱۵.

۲. میرزا علی‌محمدخان در مطلبی، از حضور خود در دربار شاه به هنگام حضورش در تهران خبر داده و گفته است شاه در این دیدار خطاب به صدراعظم خود، از لزوم ترقی و آزادی مطبوعات سخن گفته است (ثریا، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۶، صص ۸-۹).

۱۹۹/۱) و آزادی‌های اعطایی به مطبوعات در دوره مظفری، همچنان جراید آزاد انتقادی در ایران اجازه انتشار نداشتند (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۲۴۹/۱). روزنامه‌های این دوره هرچند نسبت به عصر ناصری آزادتر بودند، ولی از صحبت درباره مسائلی چون آزادی، استبداد و معایب آن، حکومت ملی و حتی وضع قوانین لازم‌الاجرا احتیاط به خرج می‌دادند (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۹۹).

البته متغیرهای گوناگونی می‌توانست در آزادی مطبوعات در این دوره تأثیرگذار باشد. می‌توان گفت میزان آزادی جراید در دوره مظفری، به مانند دیگر موضوعات در ایالات مختلف، با کیستی حکام آن ایالات و نوع نگاه آنان به مطبوعات در ارتباط بوده است. به عبارت بهتر، حکام ایالات به دلیل میزان اختیارات خود می‌توانستند در حدود آزادی مطبوعات جغرافیای محل حکومتشان تأثیرگذار باشند. برای نمونه، خود ثریا در مطالبی از صدور حکم آزادی برای مطبوعات آذربایجان از سوی نظام السلطنه حاکم آذربایجان خبر داده و آن را ستوده است (ثریا، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۶، صص ۸-۹؛ همان، ۱ رجب ۱۳۱۷: شماره ۳، ص ۱۳).

ثریا با وجود اعتقاد به «کمال آزادی» مطبوعات در این دوره، فضای آزادتری را نیز متصور بوده و به همین دلیل مطالبی را به نقض آزادی مطبوعات و روزنامه‌نگاران اختصاص داده و به انتقاد از تحدید حدود آزادی مطبوعات پرداخته است. نبود قانون مطبوعات و به تبع آن مشخص نبودن حدود آزادی مطبوعات در ایران (ثریا، ۹ ذی‌القعده ۱۳۱۷: شماره ۱۷، ص ۱۹) و همچنین خطرات مرتبط با کار وقایع‌نگاری و وکالت روزنامه‌های چاپ خارج در ایران (ثریا، ۲۷ ذی‌القعده ۱۳۱۶: شماره ۲۴، صص ۵-۶؛ همان، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: شماره ۴۰، ص ۱؛ همان، ۲۲ صفر ۱۳۱۷: شماره ۳۶، ص ۷؛ همان، ۱۰ جمادى‌الثانی ۱۳۱۷: شماره ۵۱، ص ۶؛ همان، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۱۸: شماره ۲۹، ص ۱۳)، از جمله مشکلاتی بود که ثریا بارها و به اشکال مختلف بدان اشاره کرده است.

با وجود کلی‌گویی‌های روزنامه درباره آزادی مطبوعات در غرب و تأیید آن و همچنین ادعای آزادی بیان حاکم در ثریا^۱ (ثریا، ۵ ذی‌الحجه ۱۳۱۶: شماره ۲۵، ص ۱۱؛ همان، ۱۹

۱. پس از قطع همکاری میرزا علیمحمدخان، سیاست ثریا تغییر کرد و مطالب تند و انتقادی در آن دیده نمی‌شود. بررسی یازده شماره پایانی (شماره‌های ۲۵ تا ۳۵ سال دوم) تغییر رویه ثریا را به خوبی نشان می‌دهد؛ زیرا دیگر اثری از مطالب تند و روشنگر دیده نمی‌شود و بیشتر مطالب آن به تعریف و تمجید از حکام، اخبار مربوط به مدارس، مقالات تاریخی و نقل قول از جراید دیگر اختصاص دارد. ثریا حتی در این برهه زمانی به نام وطن‌دوستی و خیرخواهی ملت، اقدام به سانسور برخی نامه‌های ارسالی از سوی خبرنگاران خود کرده بود (ثریا،

ذی‌الحجه ۱۳۱۶: شماره ۲۷، ص ۹)، مدیر ثریا در مطالبی حدود آزادی بیان مد نظر خویش را مشخص کرده است. هر چند بر اساس آزادی مطبوعات به معنای غربی آن، روزنامه‌ها قادر به چاپ و نشر آزادانه افکار و عقاید خود بوده‌اند، ثریا در این باره استثناهایی قائل شده و اعلام کرده است که نباید حرفی مخالف دولت‌خواهی، ملت‌پرستی و دیانت در ثریا زده شود (ثریا، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: شماره ۴۷، ص ۱۳) و از مخاطبانش درخواست کرد اگر مطلبی خلاف قانون و یا اصول مشاهده کردند، به ثریا گوشزد کنند (ثریا، ۵ ذی‌الحجه ۱۳۱۶: شماره ۲۵، ص ۱۱). به عبارت بهتر، روزنامه و شخص میرزا علیمحمدخان با وجود تأیید آزادی مطبوعات غربی، نتوانسته بودند این آزادی را به صورت تمام و کمال بر خود بقبولانند و به همین دلیل اصل حکومت و شرع را خط قرمز خود در مطالب منتشره در ثریا اعلام کردند.

۲-۳. آزادی مذهبی

بررسی مطالب ثریا درباره آزادی مذهبی، نشان‌دهنده این است که روزنامه عدم آزادی در مذهب را مانعی در برابر آزادی افکار می‌دانست و مخالف تعصب مذهبی و طرفدار آزادی و مساوات حقوقی میان مذاهب بود. روزنامه حتی در مواردی با انتقاد از برخوردهای سلبی با پیروان سایر ادیان حاضر در ایران، خواستار احترام به آیین تمام ایرانیان و مساوات میان پیروان مذاهب شده بود و در این باره برای اثبات سخن خود، مستنداتی از شرع اسلام آورده است. در مجموع، نوع نگاه روزنامه به موضوع آزادی مذهبی، بیشتر حول محور احترام متقابل بین پیروان ادیان و مساوات میان مذاهب می‌باشد و دولت را موظف به حفظ آزادی مذاهب و مراقبت از اقلیت‌های مذهبی می‌دانست.

ثریا درباره این نوع آزادی نیز آزادی مذهبی در غرب را مورد اشاره قرار داده است؛ با این تفاوت که درباره این نوع آزادی، در مواردی در جایگاه منتقد غربی‌ها قرار گرفته و در مواردی ضمن اشاره به مصادیق آزادی مذهبی در غرب، تداوم تعصبات مذهبی در برخی ممالک غربی و دوگانگی آنان در ادعا و عملشان به آزادی مذهبی را مورد انتقاد قرار داده است. روزنامه درباره تعصب مذهبی در غرب، وضعیت فرانسه و اسپانیا را مورد توجه قرار داده و ضمن انتقاد از فرانسه به دلیل سلب زندگی آزاد یهودیان در این کشور (ثریا، ۲۰ جمادی‌الآخر

۱۱ صفر ۱۳۱۸: شماره ۲۷، ص ۹؛ همان، ۱۸ صفر ۱۳۱۸: شماره ۲۸، صص ۱۳-۱۴). به دلیل چنین رویکردی است که روزنامه از لحاظ محتوایی افت شدیدی پیدا کرد و طرفدارانش را از دست داد (خسروی زارگر، ۱۳۸۶: ۳۷)؛ تا جایی که خسروی نیز معتقد بود ثریا بعد از جدایی میرزا علیمحمدخان اعتبار خود را از دست داده است (خسروی، ۱۳۶۳: ۴۱/۱-۴۲).

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۶۰، زمستان ۱۴۰۲ / ۷۷

۱۳۱۶: شماره ۲، ص ۳؛ همان، ۸ شوال ۱۳۱۶: شماره ۱۷، ص ۲؛ همان، ۲۸ جمادی الاخر ۱۳۱۶: شماره ۳، ص ۳؛ همان، ۱ شوال ۱۳۱۶: شماره ۱۶، ص ۲)، ضعف اسپانیا و از دست رفتن ممالک تحت سلطه آن را نیز با تعصب مذهبی حکومت نسبت به آیین کاتولیک در ارتباط دانسته است (ثریا، ۱۳ رجب ۱۳۱۶: شماره ۵، ص ۱۲).

دوگانگی غربی‌ها در ادعا و عمل به آزادی مذهبی نیز از مواردی است که مورد توجه ثریا قرار گرفته است. روزنامه با انتقاد از اینکه غربی‌ها در ادعا طرفدار آزادی تمامی مذاهب‌اند، ولی در عمل رفتاری دوگانه از خود نشان می‌دهند، ظلم وارده بر مسلمانان جزیره کرت و جمادی الاخر ۱۳۱۶: شماره ۱، صص ۱۰-۱۱) و فشارهای وارد شده بر مسلمانان جزیره کرت و بوسنی هرزگوین (ثریا، ۱۰ جمادی الاول ۱۳۱۷: شماره ۴۷، ص ۵) را مورد اشاره قرار داده و معتقد بوده است اگرچه دول غربی می‌گویند «با دین و آیین کسی کاری ندارند»، ولی گاهی در عمل دست به چنین رفتارهایی علیه مسلمانان می‌زنند (ثریا، ۲۷ ذی القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۴، ص ۸).

این دوگانگی در نوع برخورد دول غربی با اعتقادات ممالک مغلوب و مستعمره نیز در روزنامه انعکاس یافته است. هرچند در روزنامه و در مواردی اخباری از اعطای آزادی مذهبی از سوی انگلستان به اهالی سودان و هندوستان منتشر گردیده (ثریا، ۲ رمضان ۱۳۱۶: شماره ۱۲، ص ۷؛ همان، ۲۰ ذی الحجه ۱۳۱۷: شماره ۲۳، ص ۶)، ولی به‌طور کلی روزنامه معتقد است که اگر اجانب بر کشوری مسلط شوند، مذهب آنان در امان نخواهد بود (ثریا، ۲۰ جمادی الاخر ۱۳۱۶: شماره ۲، ص ۹؛ همان، ۹ ربیع الثانی ۱۳۱۸: شماره ۳۳، ص ۱۷). روزنامه در این باره به ایرانیان هم هشدار داده بود که در صورت استیلای اجانب، به جای مسجد و سقاخانه‌های ایرانیان، کلیسا و میخانه برپا می‌کند (ثریا، ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۱۷: شماره ۲، ص ۲)، ناموسشان به دست مسیحیان می‌افتد و به مانند مسلمانان هند، ترکستان، قفقاز و آفریقا نمی‌توانند در عمل به آداب و مراسم مذهبی خودشان آزاد باشند (ثریا، ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۱۷: شماره ۴۴، ص ۱۲).

آزار و اذیت برخی اقلیت‌های مذهبی در ایران و تبعیض صورت گرفته نسبت به این گروه از ایرانیان توسط اکثریت مسلمان، باعث شده بود ثریا موضوع اقلیت‌های مذهبی ایران را هم مورد توجه قرار دهد. ثریا درباره مذاهب مختلف ساکن ایران، قائل به آزادی پیروان این مذاهب و اجرای مساوات و عدالت میان آنان و اکثریت مسلمان ایرانی بود؛ مساواتی که البته در تناقض با احکام شرع است و بعد از پیروزی انقلاب مشروطه نیز بحث برابری تمام ایرانیان، باعث مباحث نظری و ایجاد اختلاف میان مشروطه‌خواهان شد. با این حال، روزنامه صرفاً با

گزینش در احکام مرتبط با اقلیت‌های مذهبی و آوردن روایاتی، به تصدیق سخن خود پرداخته است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دغدغه روزنامه در این امر، انتقال تفکر ملت بودن و ایرانی بودن، فارغ از تفاوت در مذهب، به مخاطبان خویش بوده است. روزنامه تمام پیروان ادیان و مذاهب ساکن ایران «از زاهد مهربانی تا کشیش کنشتی» را «ابنای وطن» خوانده و حمایت از آنان را لازم و واجب شمرده است؛ به همین دلیل اعلام کرده بود از حقوق ایرانیان با هر مذهبی محافظت می‌کند. به عقیده روزنامه، اگر ایرانیان روزی معنای حب وطن را بدانند، دیگر همدیگر را به خاطر تفاوت مذهب مورد آزار و اذیت قرار نمی‌دهند و در کنار آن، قانون شرع و قوانین حکومتی هم اجازه آزار اقلیت‌های مذهبی را نمی‌دهد (ثریا، ۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۱۶: شماره ۲۴، ۶-۷؛ همان، ۲۹ صفر ۱۳۱۷: شماره ۳۷، ص ۱۲).

روزنامه در این باره و در واکنش به خبر آزار و اذیت یهودیان تهران، چنین حرکتی را در تقابل با سیره امام علی (ع) دانسته بود؛ زیرا ایشان به هنگام کمک به نیازمندان، فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان قائل نمی‌شد و اگر ایرانیان خود را پیرو او می‌دانند، باید چنین رویه‌ای را در پیش بگیرند (ثریا، ۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: شماره ۳۸، صص ۴-۵). انتشار اخبار مربوط به سلب آزادی‌های دیگر اقلیت‌های مذهبی نیز واکنش ثریا را در پی داشت که طی مقالاتی به این مسئله و دفاع از حقوق اقلیت‌های مذهبی ایران پرداخت.^۱

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش پاسخ به چستی آزادی به عنوان یک مفهوم غربی در روزنامه ثریا، چاپ قاهره بود. بررسی تمامی ۸۶ شماره ثریا در این بازه زمانی نشان از اهمیت این مفهوم نزد گردانندگان آن دارد. چنین میزانی از اهمیت، با چاپ روزنامه در فضای آزاد مصر و دور بودن از سانسور و نظارت حکومتی و همچنین آشنایی میرزا علیمحمدخان کاشانی با مفاهیم مدرن غربی به دلیل حضور طولانی مدتش در خارج از ایران، در ارتباط است. در مطالب ارائه شده درباره مفهوم آزادی و انواع آن در ثریا، از دو منبع بهره گرفته شده است. روزنامه در مواردی و در تشریح آزادی مد نظر خود و حدود آن، آزادی به معنا و مفهوم غربی آن را مد نظر قرار داده است. با بهره‌گیری از این منبع است که ثریا با علم به رابطه آزادی و قانون، با مطلق‌العنانی به مخالفت برخاست و حتی در مقایسه انواع حکومت‌ها، حکومت جمهوری را به دلیل حاکمیت

۱. ثریا، ۱۷ محرم ۱۳۱۷: شماره ۳۱، صص ۱۴-۱۵؛ همان، ۲۹ صفر ۱۳۱۷: شماره ۳۷، صص ۱۴-۱۶؛ همان، ۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: شماره ۳۸، صص ۳-۵؛ همان، ۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: شماره ۳۸، صص ۱۵-۱۶؛ همان، ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: شماره ۳۹، ص ۴.

قانون، نقش مردم در برپایی پارلمان و تحدید حدود اختیارات شاه ستوده است؛ به همین دلیل ثریا درباره آزادی و اقسام آن، در موارد بسیاری دست به دامان نمونه‌های غربی شده و نوع و حدود آزادی مورد نظر خود را با ذکر چنین نمونه‌هایی برای مخاطبان خود اعلام کرده است. منبع دیگری که ثریا درباره آزادی از آن تأثیر پذیرفته، شرع اسلام است. با تأثیرپذیری از همین منبع است که روزنامه «دیانت» را به عنوان یکی از خطوط قرمز خود بیان کرده است. استفاده و بهره‌گیری از شرع و احکام آن به عنوان یکی از محدودکننده‌های آزادی غربی، باعث شده است روزنامه در مواقعی با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر جامعه ایران و زمانی که آن آزادی را در تقابل با شرع و سنت‌های جاری در ایران می‌دانست، نظر خود را با صراحت اعلام کند. بیشترین بسامد فراوانی واژه آزادی، به آزادی مطبوعات اختصاص دارد. در بحث از آزادی مطبوعات، به این دلیل که روزنامه پدیده‌ای کاملاً غربی است و در ادبیات ایرانیان و شرع اسلام بدان پرداخته نشده، در بیشتر موارد و در تشریح این نوع آزادی، دست به دامان نمونه‌های غربی شده است. به نظر می‌رسد درگیری ثریا با کار روزنامه‌نگاری و همچنین نوپا بودن کار مطبوعاتی در ایران و لزوم آشنا ساختن ایرانیان با حدود آزادی مطبوعات، باعث پرداخت حداکثری روزنامه به این موضوع شده است. در بحث آزادی مذهبی، روزنامه طرفدار سرسخت آن است و دلیل پرداخت ثریا به این موضوع اخبار آزار و اذیت برخی اقلیت‌های مذهبی در ایران و سعی روزنامه در فهماندن مفهوم ملت و ایرانی بودن برای ایرانیان بوده است. آزادی مذهبی ثریا بیشتر به شکل مساوات میان پیروان مذاهب نمود یافته بود، ولی موضوعی که روزنامه مسکوت گذاشته، نگاه شرع به موضوع مساوات میان مذاهب است. روزنامه در این مورد و برای تأیید نظر خود درباره آزادی مذهبی، صرفاً به ذکر روایاتی پرداخته که در تضاد با دیدگاه ثریا نباشد؛ موضوعی که بعد از انقلاب مشروطه سر باز کرد و مشروطه‌خواهان را در مقابل یکدیگر قرار داد. به‌طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که روزنامه سعی بر این داشت که آزادی را با اسلام و فرهنگ جامعه ایرانی مطابق نشان دهد و به همین منظور حتی در مواردی دست به تقلیل این مفهوم نیز زده است.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۲)، *از صبا تا نیما*، ج ۱، تهران: انتشارات زوار، چاپ چهارم.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۶)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید، چاپ چهارم.
- احمدی، نزهت، (۱۳۸۵)، *رویکرد انتقادی مجله ثریا به مسائل ایران*، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال شانزدهم، شماره ۶۰، صص ۲۳-۴۸.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۷۷)، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ترجمه محمد عباسی، ج ۲، تهران: کانون معرفت.
- جهانی، فرشته و ملایی توانی، علیرضا (۱۴۰۰)، «آشنایی ایرانیان با جایگاه زن در جامعه آمریکایی از رهگذر مطبوعات و مدارس مسیونری در دوره قاجاریه»، *فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)*، سال ۳۱، شماره ۵۰، صص ۷۱-۹۲.
- خسروی زارگز، مسلم، (۱۳۸۶)، «بررسی روند فراز و فرود روزنامه ثریا»، *مجله یاد*، شماره ۸۴، صص ۲۱-۳۹.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*، ج ۱، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، چاپ چهارم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵)، *لغتنامه*، ج ۲، تهران: [بی‌نا].
- صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳)، *تاریخ جرائد و مطبوعات ایران*، ج ۲، اصفهان: انتشارات کمال.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- علوی، سید ابوالحسن (۱۳۸۵)، *رجال عصر مشروطیت*، به کوشش حبیب یغمایی، بازخوانی ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- قاسم‌زاده، قاسم (۱۳۴۰)، *حقوق اساسی*، تهران: ابن‌سینا، چاپ هفتم.
- قاضی، ابولفضل (۱۳۷۱)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کهن، گوئل (۱۳۶۰)، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران (از ۱۲۵۳ ق تا صدور فرمان مشروطیت)*، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- محیط طباطبایی، میر سیدمحمد (۱۳۶۶)، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان.

ب. نشریات

- حیدر بغدادی (۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷)، *اطاعه السلطان من الایمان*، سال اول، شماره ۴۶، صص ۱۳-۱۴.
- (۱ رجب ۱۳۱۷)، *داد سوم آن‌مریض تکاسل پادشاهان - در مملکت و شفاییش رسیدگی در آنست*، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۴-۱۸.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۶۰، زمستان ۱۴۰۲ / ۸۱

- فرج الله کاشانی (۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸)، بقیه مقاله تاریخی، سال دوم، شماره ۳۳، صص ۱۷-۱۸.
..... (۱۱ صفر ۱۳۱۸)، ثریا، سال دوم، شماره ۲۷، ص ۹.
..... (۱۸ صفر ۱۳۱۸)، ثریا، سال دوم، شماره ۲۸، صص ۱۳-۱۴.
میرزا عبدالحسین خان کاشانی (۵ شعبان ۱۳۱۶)، ارکان بنای مدنیت، سال اول، شماره ۸، صص ۱۱-۱۲.
..... (۲۰ ذی‌القعدة ۱۳۱۶)، بقیه وضع حکومت حالیه انگلند، سال اول، شماره
..... ۲۳، صص ۱۱-۱۵.
..... (۶ ذی‌القعدة ۱۳۱۶)، وضع حکومت حالیه انگلستان، سال اول، شماره ۲۱،
..... صص ۱۳-۱۵.
میرزا علی محمدخان کاشانی (۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۱۷)، اخطار، سال اول، شماره ۴۰، ص ۱.
..... (۲۰ رجب ۱۳۱۶)، اخطار، سال اول، شماره ۶، صص ۱-۲.
..... (۱۹ شعبان ۱۳۱۶)، اخطار، سال اول، شماره ۱۰، ص ۱.
..... (۱۳ رجب ۱۳۱۶)، اسپانیا و انهدام - نتیجه ظلم و غفلت، سال اول، شماره
..... ۵، صص ۱۰-۱۲.
..... (۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۷)، آرزوی ثریا، سال اول، شماره ۳۸، صص ۴-۵.
..... (۱۴ جمادى‌الآخر ۱۳۱۶)، آزادی ادیان در روسیه، سال اول، شماره ۱،
..... صص ۱۰-۱۱.
..... (۵ ذی‌الحجه ۱۳۱۶)، بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی، سال اول، شماره
..... ۲۵، صص ۹-۱۲.
..... (۱۰ جمادى‌الاول ۱۳۱۷)، بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی، سال اول،
..... شماره ۴۷، صص ۱۲-۱۵.
..... (۹ ذی‌القعدة ۱۳۱۷)، بقیه مقاله مصاحبه، سال دوم، شماره ۱۷، صص ۱۳-۱۵.
..... (۱۳ ذی‌الحجه ۱۳۱۷)، بقیه مقاله مصاحبه، سال دوم، شماره ۲۲، صص ۱۴-۱۸.
..... (۱۹ ذی‌الحجه ۱۳۱۶)، ثریا، سال اول، شماره ۲۷، صص ۹-۱۰.
..... (۱۰ محرم ۱۳۱۷)، ثریا، سال اول، شماره ۳۰، صص ۴-۵.
..... (۱۷ محرم ۱۳۱۷)، ثریا، سال اول، شماره ۳۱، صص ۱۴-۱۵.
..... (۶ رجب ۱۳۱۶)، ثریا، سال اول، شماره ۴، صص ۶-۷.
..... (۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۱۷)، ثریا، سال اول، شماره ۴۰، صص ۱۰-۱۳.
..... (۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷)، ثریا، سال اول، شماره ۴۲، ص ۴.
..... (۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷)، ثریا، سال اول، شماره ۴۶، صص ۸-۱۰.
..... (۲۴ جمادى‌الاول ۱۳۱۷)، ثریا، سال اول، شماره ۴۹، صص ۱۰-۱۱.
..... (۲ جمادى‌الثانی ۱۳۱۷)، ثریا، سال اول، شماره ۵۰، صص ۹-۱۱.

- (۲۰ جمادى الآخر ۱۳۱۶)، ثریا، سال اول، شماره ۲، ص ۹.
- (۹ ذى القعدة ۱۳۱۷)، ثریا، سال دوم، شماره ۱۷، صص ۱۹-۲۰.
- (۱ رجب ۱۳۱۷)، ثریا، سال دوم، شماره ۳، ص ۱۳.
- (۲۷ ذى القعدة ۱۳۱۶)، *جواب مکتوب بی امضا از تبریز*، سال اول، شماره ۲۴، صص ۵-۷.
- (۲۳ جمادى الثانى ۱۳۱۷)، *رد بر مکتوب مندرجه در روزنامه حکمت*، سال دوم، شماره ۲، صص ۱-۲.
- (۱۴ جمادى الآخر ۱۳۱۶)، *سبب نگارش این روزنامه*، سال اول، شماره ۱، صص ۲-۳.
- (۱ شوال ۱۳۱۶)، *سیاسی*، سال اول، شماره ۱۶، صص ۱-۲.
- (۸ شوال ۱۳۱۶)، *سیاسی*، سال اول، شماره ۱۷، صص ۱-۲.
- (۲۰ جمادى الآخر ۱۳۱۶)، *سیاسی*، سال اول، شماره ۲، صص ۲-۴.
- (۲۸ جمادى الآخر ۱۳۱۶)، *سیاسی*، سال اول، شماره ۳، صص ۲-۳.
- (۱۲ شعبان ۱۳۱۶)، *سیاسی*، سال اول، شماره ۹، صص ۲-۳.
- (۸ رجب ۱۳۱۷)، *سیاسی*، سال دوم، شماره ۴، صص ۳-۴.
- *اسکندرونه* (۱۳ ذى الحججه ۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۲۲، ص ۱۰.
- اهمیت و تأثیر جراید (۲۳ جمادى الثانى ۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۲، ص ۳.
- *ایالت مکدونیا* (۲۷ ذى القعدة ۱۳۱۶)، سال اول، شماره ۲۴، صص ۷-۸.
- *آثار مظفری - به نقل از روزنامه اطلاع* (۴ صفر ۱۳۱۸)، سال دوم، شماره ۲۶، صص ۱۱-۱۵.
- *بقیه مکتوب سابع* (۲۶ ربیع الثانى ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۴۵، صص ۱۱-۱۵.
- (۱۷ جمادى الاول ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۴۸، صص ۱۳-۱۶.
- بندر بوشهر (۲۸ ذى الحججه ۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۲۴، صص ۶-۸.
- *جراید اجنبیه در فرانسه* (۲۲ شوال ۱۳۱۶)، سال اول، شماره ۱۹، ص ۱۰.
- *خون یحیی و تلال بیت المقدس - مدرسه انتظام الملک و متن ثریا* (۲۴ محرم ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۳۲، صص ۱۰-۱۴.
- دارالخلافة طهران (۶ ربیع الاول ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۳۸، صص ۲-۴.
- - *دار السعادة اسلامبول* (۱۰ جمادى الاول ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۴۷، صص ۴-۵.
- (۲۰ ذى الحججه ۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۲۳، صص ۵-۶.
- *دارالسلطنه تبریز* (۲۲ صفر ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۳۶، صص ۶-۷.
- (۱۳ ربیع الاول ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۳۹، صص ۳-۴.
- *زنگبار و آفریقای جنوبی* (۱۳ جمادى الاول ۱۳۱۸)، سال دوم، شماره ۳۵، ص ۱۵.
- *سلماس* (۱۰ جمادى الثانى ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۵۱، صص ۶-۷.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۶۰، زمستان ۱۴۰۲ / ۸۳

- سواد فرمان همایونی (۲۹ صفر ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۳۷، صص ۱۴-۱۶.
- (۶ ربیع الاول ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۳۸، صص ۱۵-۱۶.
- فرانسه و رؤسای جمهور (۱۵ شوال ۱۳۱۶)، سال اول، شماره ۱۸، ص ۶.
- گروس (۱۹ رمضان ۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۱۲، صص ۱-۲.
- مصر - چهارشنبه ۲۳ ذی الحجه ۱۳۱۶ (۲۸ ذی الحجه ۱۳۱۶)، سال اول، شماره ۲۸، صص ۱۰-۱۳.
- مکتوب از اسکندریه (۲۲ رجب ۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۶، صص ۸-۱۰.
- مکتوب از اصفهان (۲ ربیع الاول ۱۳۱۸)، سال دوم، شماره ۲۹، صص ۱۳-۱۴.
- مکتوب از برلین (۱۹ ربیع الثانی ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۴۴، ص ۸.
- مکتوب از تبریز (۱۵ رجب ۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۰-۱۱.
- مکتوب از طرف انجمن ناصری زرتشتیان یزد (۲۹ صفر ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۳۷، ص ۱۲.
- مکتوب یکی از وطن پرستان (۱۶ جمادی الثانی ۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۴-۱۶.
- ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس (۲۳ ذی القعدة ۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۱۹، صص ۱۴-۱۸.
- نطق لورد کرامر در ام درمان (۲ رمضان ۱۳۱۶)، سال اول، شماره ۱۲، صص ۶-۷.
- نقل از روزنامه محترمه حبل المتین (۱۹ ربیع الثانی ۱۳۱۷)، سال اول، شماره ۴۴، صص ۱۱-۱۲.
- وقایع سرحد شمال غربی هندوستان (۵ شعبان ۱۳۱۶)، سال اول، شماره ۸، ص ۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English handwriting

Book And Article:

- Ahmadi. Nozhat. (2006). The critical approach of Soraya journal toward the situation of Iran. Journal of humanities. Year 16. No 60. Pp.23-47.
- Alavi. Abul- Hasan.(2006). The Rulers of the Constitutional Era. researched by Habib Yaghmaei. edited by Iraj Afshar. Tehran: Entesharāt-e Asāfir.
- Aryanpour. Yahya. (1993). from Saba to Nima. Tehran: Entesharāt-e Zavvār. [In Persian]
- Ashouri. Daryush. (1997). Political Encyclopedia. Tehran: Entesharāt-e Morvārid. [In Persian]
- Browne. Edward G. (1998). Literary history of Persia. translated by Mohammad Abbasi. Tehran: Kānūn-e Ma' refat. [In Persian]
- Cohen. Goel. History of Censorship in Iranian Press. Tehran: Mo'assese-ye Entesharāt-e Āgāh. [In Persian]
- Dehkodā, 'Alī-Akbar. (1946). Lōgāt-nāma (Ā-Abūsa'd). Tehran: n.n.
- Dowlatabadi. Yahya. (1983). Ḥayāt-e Yahyā. Tehran: ketābkāne-ye Ebn Sīnā.
- Hashemi. Seyyed Mohammad. (1984). Human rights and fundamental freedoms. Tehran: Našr-e Mīzān. [In Persian]
- Jahani. Fereshteh; Mollaei Tavani. Alireza. (2021). Familiarity of Iranians With the Position of Women in American Society Through the Press and Missionary Schools in the Qajar Period. Journal of History of Islam and Iran. Year 31. No 50. Pp. 71-92.
- Kasrawi. Ahmad. (1984). History of the Iranian Constitutional Revolution. Tehran: Mo'assese-ye Entesharāt-e Amīrkabīr. [In Persian]
- Khosravi Zargaz. Moslem. (2007). investigating the rise and fall of Torayyā newspaper. Yād Magazine. Tehran. No 84. Pp. 21-39.
- Mohit Tabatabaei. Mohammad. (2005). Analytical history of newspapers in Iran. Tehran: Mo'assese-ye Entesharāt-e Be'tat. [In Persian]
- Qasemzade. Qasem. (1961). Droit constitutionnel. Tehran: Ebn-e Sīnā. [In Persian]
- Qazi. Abul-Fazl. (1992). Droit constitutionnel et institutions politiques. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān. [In Persian]
- Sadr Hashemi. Mohammad. (1984). History of Iran's Journals and Press., Isfahan: Entesharāt-e Kamāl.
- Tabatabaei Mo'tameni. Manouchehr. (2011). Public freedoms and human rights. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān. [In Persian]

Newspaper:

- Heidar Baghdadi. Ītā'at ul-Solṭān mīn al- Īmān. Year 1. No 46.
- Heidar Baghdadi. Dāde Sevvome Ān Marīz Takāsol-e Pādšāhān – Dar Mamlekat va šafāyaš Resīdegī Dar Ān ast. Year 2. No 3.
- Faraj-Allah kashani. Baqīyye-ye Maqāleh-ye Tārīkī. Year 2. No 33.
- Faraj-Allah kashani. Torayyā. Year 2. No 27.
- Faraj-Allah kashani. Torayyā. Year 2. No 28.
- Mirza Abd al-Hosein Khan kashani. Arkān-e Banā-ye Madaniyat. Year 1. No 8.
- Mirza Abd al-Hosein Khan kashani. Baqīyye-ye važ 'e hōkūmat-e ḥālīye-ye England. Year 1. No 23.
- Mirza Abd al-Hosein Khan kashani. Važ 'e Hōkūmat-e Ḥālīye-ye Engelestān. Year 1. No 21.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Ekṭār. Year 1. No 40.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Ekṭār. Year 1. No 6.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Espāniyā va Enhedām-e Natīje-ye zolm va ḡeflat. Year 1. No 5.

- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Ārezū-ye Torayyā. Year 1. No 38.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Āzādī-ye Adyān dar Rūsīye. Year 1. No 1.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Baqīyye-ye Maqāle-ye laysa lil al-Īnsān Īllā Mā Sa'ā. Year 1. No 25.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Baqīyye-ye Maqāle-ye laysa lel-ensān-e ellā mā sa'y. Year 1. No 47.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Baqīyye-ye Maqāle-ye Moṣāḥebe. Year 2. No 17.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Baqīyye-ye Maqāle -ye Moṣāḥebe. Year 2. No 22.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 27.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 30.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 31.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 4.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 40.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 42.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 46.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 49.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 50.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 1. No 2.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 2. No 17.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Torayyā. Year 2. No 3.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. javāb-e Maktūb-e bī Emza' az Tabrīz. Year 1. No 24.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Radd bar Maktūb-e Mondaraje dar Rūznāme-ye Hekmat. Year 2. No 2.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Sabab-e Neqāreš-e īn Rūznāme. Year 1. No 1.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Siyāsī. Year 1. No 16.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Siyāsī. Year 1. No 17.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Siyāsī. Year 1. No 2.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Siyāsī. Year 1. No 3.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Siyāsī. Year 1. No 9.
- Mirza Ali Mohammad Khan kashani. Siyāsī. Year 2. No 4.
- Eskandarūneh. Year 2. No 22.
- Ahamīyyat va Ta'īr-e jarāyed. Year 2. No 2.
- Iyālat-e Maktūnīyā. Year 1. No 24.
- Ātār-e Mozaffarī – Be Naql az Rūznāme-ye Eṭṭelā'. Year 2. No 26.
- Baqīyye-ye Maktūb-e Sābe'. Year 1. No 45.
- Baqīyye-ye Maktūb-e Sābe'. Year 1. No 48.
- Bandar-e Būšehr. Year 2. No 24.
- jarāye-de Ajnabīyye dar Farānse. Year 1. No 19.
- Kūn-e Yahyā va Tallāl-e Beyt ul-Moqaddas – Madrese-ye Entezām-ul Molk va Matn-e Torayyā. Year 1. No 32.
- Dār ul-ḳelāfe-ye Tehrān. Year 1. No 47.
- Dār ul-Sa'āde-ye Eslāmbul. Year 1. No 47.
- Dār ul-Sa'āde-ye Eslāmbul. Year 2. No 23.
- Dār ul- Saṭṭāna-ye Tabrīz. Year 1. No 36.
- Dār ul- Saṭṭāna-ye Tabrīz. Year 1. No 39.
- Zangbār va Afrīgā-ye jonūbī. Year 2. No 35.
- Salmās. Year 1. No 51.
- Savād-e Farmān-e Homāyūnī. Year 1. No 37.
- Savād-e Farmān-e Homāyūnī. Year 1. No 38.
- Farānse va Ro'asā-ye jomhūr. Year 1. No 18.
- Garūs. Year 2. No 12.

Meşr - Čāhāršanbe 23-ye dīlħajje-ye 1316. Year 1. No 28.
Maktūb az Eskandarīyye. Year 2. No 6.
Maktūb az Eşfahān. Year 2. No 29.
Maktūb az Berlīn. Year 1. No 44.
Maktūb az Tabrīz. Year 2. No 5.
Maktūb az ʿArāf-e Anjoman-e Nāşerī-ye Zartoštīyān-e Yazd. Year 1. No 37.
Maktūb-e Yekī az Vaṭanparastān. Year 2. No 1.
Molāhezāt-e sīyāsī dar Omūr-e Banāder-e Fārs. Year 2. No 19.
Noṭq-e Lord Krāmer dar Omm-e Dormān. Year 1. No 12.
Naql az Rūznāme-ye Moḥtarame-ye Ḥabl ul-Matīn. Year 1. No 44.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



The concept of freedom in "Soraya" published in Cairo¹

Gholamali Pashazadeh²

Fatemeh Orouji³

Rasoul Pourzamani⁴

Received: 2023/07/07

Accepted: 2024/01/04

Abstract

For the Iranians, the Qajar period coincided with the familiarization and confrontation with modern Western concepts such as freedom. Iranian newspapers published outside Iran in the pre-constitutional period were one of the ways of familiarizing Iranians with this concept. Soraya newspaper, which was published in Cairo, Egypt, is one of these newspapers, which was published by Mirza Ali Mohammad Khan Kashani. Considering the significance of the concept of freedom, particularly in the years preceding the constitutional revolution in Iran, it is important to understand the history of theoretical discussions about the concept of freedom in the Iranian press and how it is reflected in Soraya. Accordingly, this article examines how the newspaper understands of the concept of freedom and its relevance to Western freedom. The article also attempts to answer the question with a descriptive-explanatory method in order to show to what extent freedom considered by Soraya corresponds to the freedom in the West during this historical period. The research findings reflect that although the freedom used in the West was approved by the newspaper, in some cases we have seen the reduction of this concept in Soraya.

Keywords: Freedom, Soraya newspaper, Mirza Ali Mohammad Khan Kashani, Qajar, West.

1. DOI: 10.22051/hii.2024.44187.2813

2. Associate Professor of Department of History, Tabriz University, Tabriz, Iran (corresponding author). gh_pashazadeh@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of History, Tabriz University, Tabriz, Iran. fatemeh.orouji62@gamil.com

4. PhD student of Iranian history after Islam, Tabriz University, Tabriz, Iran. rasoulpourzamani@yahoo.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493